

معرفی و نقد کتاب

غلامعباس توسلی

استاد دانشکده علوم اجتماعی

بحران جامعه‌شناسی غرب، اثر الوین گلدنر، ترجمه فریده ممتاز، شرکت سهامی انتشار تهران، ۱۳۶۸

جامعه‌شناسان برای خاطر ماهیت کارشان، رشته تخصصی خود را نیز گهگاه مورد کاوش و ارزیابی مجدد قرار می‌دهند و نام آن را "جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی" می‌نهند. همان طور که جامعه‌شناسان درباره جامعه و سازمان اجتماعی پرسشهایی را مطرح می‌کنند، ره‌آورد کار خودشان را نیز مورد سؤال قرار می‌دهند. از دهه شصت به بعد، جامعه‌شناس آمریکایی مواجه با دو بحث متضاد درباره خود بود: یکی آنکه آیا جامعه‌شناس می‌تواند و باید تھی از ارزش باشد یعنی بی‌طرفی محض را پیشه کند؟ دوم اینکه آیا جامعه‌شناس باید کاربرد سیاسی پیدا کند و مورد استفاده سیاست واقع شود؟ گر چه این دو بحث هیچ وجه مشترکی ندارند (چراکه پرسش اول نظری و پرسش دوم کاربردی است)، اما هر دو را کسانی که پیرو جامعه‌شناسی علمی بودند به کار می‌بردند، ماکس وبر با برچسب «علم منهای ارزش»^۱ چنین استدلال می‌کرد که جامعه‌شناسی باید به دنبال جدا کردن خود از ارزشهایی باشد که به آن پیوند می‌خورد.

جامعه‌شناس به عنوان فردی که دارای عقاید و نظرات خاصی است، نباید با همان عینک به امور و پدیده‌های اجتماعی نگاه کند بلکه به هنگام تحقیق باید به عنوان یک ناظر عینی و بی‌طرفی کامل درباره مسایل و موضوعات به تحقیق و اظهار نظر بپردازد. در آن زمان ماکس وبر را هم جناحهای چپ و هم راست مورد سؤال قرار دادند و سؤالهای متضادی از هر دو جناح مطرح شده و حمله‌هایی از هر دو سو آغاز گردید. به هر تقدیر جلوه‌هایی از دیدگاه وبر درباره بی‌طرفی و بی‌نظری ارزش شناختی، در دورانی به نسبت طولانی و در جامعه‌شناسی آمریکا کاربرد زیادی پیدا کرده بود، لیکن پس از سالهای نخستین، آلوین گلدنر در سخنرانی افتتاحیه‌اش در انجمن مطالعات مسایل و مشکلات اجتماعی، با این فکر مخالفت می‌کند.

از آن پس گلدنر که پس از ماکس وبر در دانشگاه واشنگتن در سنت لوئیس بر کرسی استادی تکیه زده بود، چهره مشخصی شد که می‌کوشید جامعه‌شناسی را به عنوان یک رشته علمی با جهت‌گیری سیاسی معرفی کند. معمولاً تصور می‌شد که این اشتغال سیاسی به چپ متمایل است، لیکن موضع اصلی گلدنر چند سال بعد ابراز شد.

آلوین گلدنر در ۱۹۷۰ با انتشار کتاب «بحران در جامعه شناسی مغرب زمین» افکار و نظریه‌های خود را که ادعا نامه‌ای بر ضد جامعه شناسی فونکسیونالیستی آمریکا بود رسماً اعلام کرد. این کتاب زمانی نوشته شد که جامعه شناسی آمریکا با بحران عمیقی مواجه بود و جامعه شناسان جوان درباره قابلیت نظری این جامعه شناسی در تحلیل مسایل اجتماعی روز، نومید و سرخورده شده بودند. در این دوران صاحب نظران دیگر مانند مارکوزه از اصحاب مکتب فرانکفورت و سی.رایت.میلز و تا حدی باتومور در برابر اقتدار علمی بی چون و چرای تالکوت پارسنز قدامت کردند و ارزش و کارایی آن را در تحلیل مسایل و تحقیقات اجتماعی مورد چون و چرا قرار دادند.

گلدنر می‌کوشد تا گرایشهای محافظه کارانه جامعه شناسی آمریکا را بر ملا کند و جامعه شناسی آن روز آمریکا را یکی از ابزارهای گروههای ممتاز و نخبگان در نظارت و تثبیت جامعه قلمداد کند. به نظر گلدنر یکی از مسایل اساسی جامعه‌های غربی پس از انقلاب کبیر فرانسه، تأمین ثبات سیاسی و اقتصادی است. این دلمشغولی موجب می‌شود که جامعه‌شناسی به تدریج به نوعی طبیعی، که هدف آن در نهایت حفظ وضع موجود است، تبدیل شود. به نظر او جامعه‌شناسی به تدریج دید انتقادی خود را از دست می‌دهد و تبدیل به «علم اداره امور» می‌شود و دیدگاه تاریخی انتقادی آن نادیده گرفته می‌شود. در عین حال ملاحظه می‌شود که گلدنر معتقد است که مازکسیسم نیز قادر نیست به لحاظ نظری وضعیت جوامع و تحول آن را تحلیل کند. با توجه به این جهت گریهاست که مؤلف طرح دیگری را مدنظر قرار داده و به آن نام «جامعه شناسی انتقادی» می‌دهد.

در نظر نویسنده کتاب، این دیدگاه جامعه شناختی نه واجد خصلت محافظه کارانه آمریکایی است و نه دچار محدودیتها و تنگ نظریهای جامعه شناسی مارکسیستی.

کتاب «بحران جامعه شناسی غرب» با بیش از ۵۵۵ صفحه گسترده‌تر از آن است که بتوان در یک معرفی کوتاه به تمامی جنبه‌های مورد بحث و شیوه‌های استدلالی آن پرداخت و تنها می‌توان به برخی نکات و کلیاتی از آن اشاره کرد:

کتاب مشتمل بر یک پیشگفتار، مقدمه مترجم، و چهار بخش عمده است که شامل سیزده فصل می‌شود: بخش اول با عنوان تناقضها و زیربنا، نقدی کلی بر جامعه شناسی پوزیتیویستی، جامعه شناسی و شبه جامعه شناسی، فرهنگ اصالت سودمندی و در عین حال دربرگیرنده نقدی بر مارکسیسم و ساخت‌گرایی است. در بخش دوم گلدنر به نقد و تحلیل نظرات تالکوت پارسنز نظریه پرداز جامعه شناسی کلان و تحلیل‌گر نظام پرداخته و اخلاقیات و قدرت و ثروت را از دید تالکوت پارسنز مورد تحلیل قرار داده است که سراسر فصل انتقاد و ارزشیابی خصمانه‌ای از جامعه‌شناسی فونکسیونالیستی محسوب می‌شود.

در بخش سوم کتاب، «بحران جامعه شناسی غرب» و «نقد دولت رفاه عامه» و «آنتروپی

فونکسیونالیسم" و زیربنای جامعه‌شناسی محافظه‌کارانه از افلاطون تا پارسنز و یادداشتی دربارهٔ بحران مارکسیسم و پیدایش جامعه‌شناسی آکادمیک در شوروی را دربرمی‌گیرد. سرانجام در بخش چهارم کتاب، مؤلف طرح جدید خود را که بدان نام "جامعه‌شناسی تأملی" داده است، ارائه می‌کند و این تنها راه‌حل اختصاصی گلدنر است. در این نوع جامعه‌شناسی توجه به بخشی از کار جامعه‌شناسی معطوف می‌شود که انتقاد از جامعه را با انتقاد از خود درمی‌آمیزد. با این همه به نظر می‌رسد که در ارائه جانشین (آلترناتیو.م) برای جامعه‌شناسی فونکسیونالیستی، توفیق چندانی نصیب گلدنر نشده است.

بخش اول که تضادها و شالوده‌ها را نشان می‌دهد، جالبترین بخش برای خوانندهٔ تازه‌کار است، زیرا نظریهٔ گلدنر را دربارهٔ بحران این مکتب به گونه‌ای جذاب منعکس کرده است. لیکن بخش آخر برای خواننده چندان جذاب نیست!

این کتاب که منعکس‌کنندهٔ کشاکش جامعه‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی آکادمیک دو دههٔ پیش آمریکا است، امروزه با فروکش کردن موج جامعه‌شناسی انتقادی، اهمیت خود را تا حدود زیادی از دست داده است، لیکن در عین حال نکات جالبی را در زمینهٔ جامعه‌شناسی به عنوان ابزار نظارت و تثبیت نظام اجتماعی ارائه کرده است.

کتاب مشتمل بر ۵۵۵ صفحه و فهرست اعلام لیکن فاقد لغتنامه به صورت مستقل است. با آنکه مترجم محترم کوشیده است نوشتهٔ به نسبت مشکل گلدنر را به زبان ساده و روان ترجمه کند که این تلاش و تکاپو ستودنی است، اما در محتوی و شکل ارائه مطالب، نارساییها و دشواریهایی وجود دارد که بر پیچیدگی متن اصلی و افکار نویسنده افزوده است، که به پاره‌ای از آنها در اینجا اشاره می‌شود.

۱- نخست به عبارتها و اصطلاحهایی برمی‌خوریم که اگر نگوییم برای متخصصان، دست کم برای دانشجویان این رشته ایجاد مشکل می‌کند و متأسفانه مترجم محترم هیچگونه توضیحی در مورد آنها نداده و یا یادداشتی دربارهٔ لغات نارسا و اصطلاحهای نامأنوس به صورت پانویس اضافه نکرده‌اند و گاهی به ترجمهٔ تحت‌اللفظی و یا دور از ذهن اکتفا کرده‌اند. و در این مورد گاهی از عرف عادی معانی و معمول لغت نیز فراتر رفته‌اند. برای مثال عبارت: *Shared moral* <*belief Amorphos* اخلاقی مشترک (ص ۲۵۶) ترجمه شده است که بهتر بود در پانویس دربارهٔ مفهوم متغیر اخلاقی مشترک توضیح داده شود. همچنین *Secularized collective consciousness* که آگاهی جمعی دنیوی، ترجمه شده است، همچنین *Affluence* که «تنفر از بی‌حرمتی نسبت به فراوانی» *methological empirisim* که تجربه‌گرایی در روش‌شناسی (ص ۴۸۶) و جای دیگر روش‌شناسی تجربی ترجمه شده است (ص ۵۱۶) و این دوگانگی ترجمه در دیگر صفحات کتاب نیز به چشم می‌خورد. حتی *ethnomethodology* که یک نظریهٔ جدید جامعه‌شناسی و معروف است، به «روش‌شناسی

تحلیل درونی» ترجمه شده است. و all or more که به بودن و اصلاً نبودن (به جای همه چیز یا هیچ چیز) برگردانده شده است در صورتی که چنین ترجمه‌های درست و مجاز باشد دست کم نیاز به توضیح در پانویس دارد.

۲- مشکل دیگر ترجمه این است که لغات و اصطلاحهای لاتین و اساسی و حتی جمله‌های نامفهوم، که معمولاً باید در یادداشتها و در پانویس یا حاشیه ذکر شود، در متن به وفور و افراط آمده و بر سنگینی متن افزوده است. این افراط به حدی است که گاه در یک صفحه و حتی در یک پاراگراف (بند) چند سطری، بیش از ده کلمه و عبارت انگلیسی در لابلای عبارتها و جمله‌های فارسی آمده است که برخی از آنها لغات عادی است و ضرورتی به ذکر اصطلاحهای انگلیسی آن نبوده و برخی نیاز به توضیح دارد که باید در پانویس آورده شود. با توجه به آنکه لاتین اسامی خاص نیز در متن به دنبال اسامی در پرانتز ذکر شده، این شیوه به روانی مطلب لطمه زیادی وارد ساخته است چرا که برای خواننده عادی و برای دانشجویان در قرائت متن دشواریهایی ایجاد می‌کند و موجب سنگینی بیش از حد مطلب می‌گردد.

مثلاً جمله‌های زیر که عیناً و به همان صورت از صفحه ۴۱۸ کتاب نقل شده نمونه بارزی از این نوع سنگینی و نارسایی است:

در صفحه ۴۹۸ کتاب این عبارت را می‌بینیم:

«این است که چگونه مساله تعادل را فرمول‌بندی می‌کند. او می‌خواهد بداند که چگونه نظام، خود - فرمان (Self - governing)، خود تطبیق دهنده (Self - maintaining)، خودتصحیح کننده (Self - correcting)، حافظ خود (Self - maintaining) می‌باشد» که آوردن اصطلاحهای لاتین هیچ مشکلی را حل نکرده و عبارت همچنان نامفهوم است.

جمله برگرفته شده از صفحه ۲۹۴ کتاب به شکل زیر است:

«با در نظر گرفتن آنچه که برای جامعه شناسی مناسب تشخیص داده شده اصطلاحات اصلی همانطور که قبلاً اشاره کرده‌ام، تداوم^۱، تجمع^۲، کدبندی کردن^۳ و همگرایی^۴ می‌باشد که تجویزات بیروح^۵ یک روش شناس ساخت گراست که با یک تصویر آپولونین از جامعه تشابه دارد»؛ که از چنین جمله‌های نارسا و معماگونه که نه ترجمه آن قابل فهم است و نه لغات و اصطلاحهای اصلی آن مفهوم واقع می‌شود و ذهن انسان باید در حین توجه به جمله فارسی، بار سنگین اصطلاحهای انگلیسی را نیز یدک بکشد، چه می‌توان فهمید؟ (شاید اگر در چنین مواردی به متن اصلی انگلیسی مراجعه شود مطلب بیشتر قابل فهم باشد تا به ترجمه فارسی همراه با

1 - continuity

2 - cumulation

3 - codification

4 - convergence

5 - The joyless prescription

لغات انگلیسی. چند سطری هم از صفحه ۴۹۸ کتاب، بدون هیچ توضیحی، نقل کنیم: اهمیت تحلیل تعادل^۱ پارسنزی، برای کشورهای بلوک شوروی در این است که با استفاده از سنت کنتی (Contian) به «چگونگی حفظ نظم به طور خودبخود» و «شرایط درونی مؤثر در حفظ خودبخود جامعه» توجهی متمرکز دارد. (برجسته نشان دادن کلمات از ما است)

۳- اصرار مترجم در این شیوه که هر اصطلاحی را همراه با لغت در متن ذکر کند بر سنگینی ترجمه افزوده است، حتی ذکر جمله‌های لاتین به دنبال لغات و عبارتهایی که معنی آن روشن است و اصطلاحات لاتین در فهم آن تأثیری ندارد. مثلاً به دنبال «اتحادیه دانشجویان سوسیالیست آلمان» که مفهومش روشن است عبارت آلمانی آن در پرانتز آمده است، یا کلمه بعد از آن که نیاز به ذکر اصطلاح لاتین ندارد.

کلمات و جمله‌هایی که یک بار اصطلاح لاتین آن در متن آمده بارها به همان صورت یا به صورت دیگر در متن تکرار شده است، مثل مفهوم «فرضیات زمینه‌ای» که از صفحه ۴۹ تا صفحه ۴۹۶ معنی انگلیسی آن بارها در پرانتز آمده است. نمونه‌های دیگر آن تکرار واژه^۲ است که علاوه بر تکرار در متن، در جاهای مختلف کتاب ترجمه‌های متفاوتی، که اکثراً نادرست است، پیدا کرده است (مثلاً در صفحات ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۷ به فاصله کمی در جمله‌های فارسی لغت انگلیسی همچنان در پرانتز تکرار شده است) در حالی که یک جا «رابطه تکمیلی»، یک جا «خصلت تکمیلی»، جای دیگر «حالت تکمیلی» و در جای دیگر «تکمیل‌گرایی» ترجمه شده که اکثر نادرست است. حتی لغات عادی مانند Embodied formal، به دنبال ترجمه فارسی به کرات در پرانتز آمده است (به صفحات ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴ و غیره مراجعه شود).

در اینجا لازم است یادآور شویم که فقدان یک فهرست لغات و اصطلاحهای انگلیسی در پایان کتاب (چنانکه در اکثر کتابهای ترجمه شده از زبان خارجی معمول و رایج است) موجب شده است که مترجم محترم با تکرار یک لغت در متن به جبران آن پرداخته که این امر علاوه بر لطمه زدن به سلامت متن، موجب چندگانگی معنای آن لغت شده است. در حالی که با ضمیمه کردن یک فهرست لغات این مشکلات به آسانی قابل حل بود.

۴- در برابر ذکر مکرر پاره‌ای لغات انگلیسی در متن ترجمه، در موارد زیادی مترجم زحمت ترجمه به خود را نداده و عین لغت انگلیسی را که گاه فهم آن نیز دشوار است، با رسم الخط فارسی در متن آورده‌اند، مثل «بوهمین»، سایکودلیک (ص ۹۹)، پولمیک (ص ۹۲)، کنگرگیشنالیست (ص ۲۰۹)، کنکرت، همواستاتیک (ص ۱۶۷)، فردیت ارگانیک (ص ۲۰۹)، فی‌لی‌استاین (ص ۲۰۱)، سنت پروتین (ص ۱۳۶)، پارادیم و الی ماشاءالله، از این صورتهای فارسی مفاهیم

انگلیسی که اگر اصطلاحهای فارسی شده، "پارسونیزم (ص ۱۶۸ و ۱۶۹)، پارانیویک (ص ۱۷۶)، سمبولیک، ایدئولوژیک و غیره را بدان بیفزاییم گاه به عبارتها و جمله‌های انگلیسی عجیب با رسم الخط فارسی می‌رسیم. مانند جمله «آکادمیسین‌های کنسرواتوی که با نیودیل مخالف هستند» (ص ۱۷۷) یا «نکته مهم خصلت ایدئولوژیک پارسونیزیا منسیم یعنی کنسرواتوی بودن آن است» (ص ۱۷۷) یا «سودمندی حاشیه‌ای هم‌نوایی» (ص ۲۵۹) که از این دست عبارتهای نامفهوم در کتاب کم نیست.

۵- با این همه آنجا که اصطلاحهایی از نوع اصطلاحها و عبارتهای مذکور به فارسی ترجمه شده، از نارسایی ترجمه چیزی کاسته نشده است، مثل:

ترجمه متن	اصطلاح	ترجمه پیشنهادی
کج بینی‌های ذهنی	intellectual distortion	اعوجاج فکری
خدمات اجتماعی همگانی	Social security	تأمین اجتماعی
شرکتهای امانت دار	Trust company	تراستها
بینش برانگیز	Preception anchoring	ادارک مستقر
نقش خود بیانگر	Self-implicating	خوددرگیری
تعصب	Prejudice	پیشداوری
اقتصاد ثالث	Tertiary economy	اقتصاد بخش ۳
سیاست تجربی	Real politic	واقع‌گرایی سیاسی
علم توافق	Conflictual validation	اعتبار مورد منازعه
روش شناسی تحلیل درونی .	ethnomethodology	روش شناسی مردمی

با توجه به دشواری متن کتاب و زحمات طاقت فرسایی که مترجم متحمل شده و نظر به نمونه‌هایی که از شیوه ترجمه کتاب ارائه شده و نارساییهای مختلف متن، به نظر می‌رسد کتابی به اهمیت «بحران جامعه شناسی غرب» نیاز به بازبینی و تجدیدنظر کامل در ترجمه دارد، که امید است مترجم محترم در چاپهای بعدی کتاب از آن غفلت نرزد.

در عین حال از مترجم محترم که ترجمه چنین کتاب سنگین و با اهمیتی را بعهدہ گرفته‌اند جای امتنان و قدردانی است.